



کارگران سزاوار کرامت انسانی‌اند، نه اعدام

"گزارش ویژه روز جهانی کارگر توسط انجمن ایرانیان علیه اعدام"

مقدمه

به مناسبت روز جهانی کارگر، ما، انجمن ایرانیان علیه اعدام، از شما می‌خواهیم که نسبت به بحران فزاینده و نگران‌کننده‌ی اعدام‌ها در ایران، واکنشی جدی و آگاهانه ابراز نمایید.

در روزی که به حقوق و کرامت انسانی کارگران اختصاص دارد، بر سرنوشت آن دسته از افراد در ایران تأکید می‌کنیم که بیش از همه در معرض ماشین سرکوب حکومتی قرار دارند: فقرا، حاشیه‌نشینان و طبقه‌ی کارگر.

ایران: پیش‌تاز اعدام در جهان

گزارش‌های اخیر تأیید می‌کنند که ایران همچنان یکی از کشورهایی است که بالاترین میزان اعدام در جهان را دارد و نرخ اعدام‌ها به طرز نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است.

در سال ۲۰۲۴، ایران مسئول دست‌کم ۹۷۲ مورد اعدام بوده که ۶۴٪ از کل اعدام‌های ثبت‌شده در جهان را شامل می‌شود.

این رقم در سال ۲۰۲۵ نیز به شدت رو به افزایش گذاشته است: تنها در سه ماه نخست سال جاری، دست‌کم ۲۳۰ نفر اعدام شده‌اند — که بیش از دو برابر آمار همین بازه‌ی زمانی در سال گذشته است.

این روند نه تنها نقض آشکار حق حیات است، بلکه به عنوان ابزاری برای ایجاد رعب و سرکوب مخالفان در جامعه‌ی ایران به کار گرفته می‌شود.

تأثیر نامتناسب مجازات اعدام بر فقرا و طبقه‌ی کارگر

مجازات اعدام در ایران به طور نامتناسبی انتشار آسیب‌پذیر، به ویژه کارگران با پیشینه‌ی آسیب پذیرا هدف قرار می‌دهد. بسیاری از افرادی که اعدام شده‌اند، در طول زندگی خود از دسترسی به حقوق اولیه‌ی انسانی همچون آموزش، بهداشت، نمایندگی حقوقی و دادرسی عادلانه محروم بوده‌اند. در میان طبقه‌ی کارگر، شمار قابل توجهی از افراد با چندین لایه از به حاشیه‌راندگی مواجه‌اند. برخی از این کارگران، از کودکی به دلیل فقر مجبور به ترک تحصیل و ورود به بازارهای کار سخت و بی‌رحم شده‌اند. بخش بزرگی متعلق به اقوام، گروه‌های دینی یا جنسیتی هستند و با تبعیض و بی‌توجهی نظام‌مند روبه‌رو هستند. قرار گرفتن در چندین گروه آسیب‌پذیر و هم‌پوشانی این آسیب‌ها، خطر جرم‌انگاری، بازداشت خودسرانه، محاکمات ناعادلانه و در نهایت اعدام را برای آنان به شدت افزایش می‌دهد.

در بخش‌های بعدی، نمونه‌های مشخصی ارائه می‌شود که نشان می‌دهد چگونه کارگران - به ویژه آن‌هایی که در معرض چندین لایه‌ی آسیب‌پذیری قرار دارند - از قربانیان اصلی ماشین سرکوب جمهوری اسلامی هستند.

۱. احسان مهدیزاده (۱۳۶۰-۱۳۲۷)

آقای مهدی زاده، یک بهایی ایرانی بود. پس از پایان تحصیلات ابتدایی، در یک داروخانه مشغول به کار شد و چند سال بعد، در شرکت پیسی‌کولا استخدام گردید. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تشدید سیاست‌های ضدبهای، از کار بیکار شد. وی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۶۰ به جرم تبلیغ آیین بهایی در زندان عادل‌آباد شیراز اعدام شد.



۲. فرنوش وکیل زاده (۱۳۳۳-۱۳۶۰)

فرنوش وکیل زاده راننده و عضو "اتحاد مبارزان کمونیست" (سهند) بود؛ گروهی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تشکیل شد و در آن زمان تا سال ۱۳۶۰، عمدتاً بر فعالیت های تئوریک تکیه داشت. او در حالی بازداشت و محکوم به اعدام شد که تنها دو جعبه اعلامیه در خانه اش به عنوان مدارک جرم یافت شده بود. آقای وکیل زاده به جرم "محاربه با خدا و پیامبر" و "فساد فی الارض" در تاریخی نامعلوم اعدام می شود و جسد او در تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۶۰ به خانواده اش تحویل داده می شود.



۳. شیرین علم هولی (۱۳۶۰-۱۳۸۹)

شیرین علم هولی دختر جوانی کرد، از یک روستا در استان آذربایجان غربی ایران بود. او به عنوان قالبیاف کار می کرد و به دلیل محرومیت، از آموزش در مدارس رسمی بازمانده بود و تنها به زبان کردی می توانست صحبت کند.

شیرین به عضویت در پژاک و کارگذاری بمب در پارکینگ مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در غرب تهران متهم شد و در نهایت به اعدام محکوم گردید. علی رغم تلاش ها برای جلوگیری از اعدام او، اعدام او بدون اطلاع قبلی وکیل یا خانواده اش انجام گرفت.



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از اعدام شیرین، ویدیویی چهار دقیقه ای منتشر کرد و مدعی شد که او به صرع مبتلا بوده و توسط پژاک شست و شوی مغزی شده است. با این حال، هم بندگان شیرین این ادعا را رد کرده و اعلام کردند که او در نتیجه ی شکنجه های شدید جسمی و روانی دچار آسیب های جدی شده بود.

شیرین در آخرین نامه ی خود از زندان اوین چنین نوشت:

"ضرباتی که در جریان شکنجه به سرم وارد شد، موجب آسیب به این ناحیه شده است. برخی روزها سردردهایم آن قدر شدید می شود که دیگر متوجه اطرافم نمی شوم و در نهایت از شدت درد بینی ام شروع به خونریزی می کند."

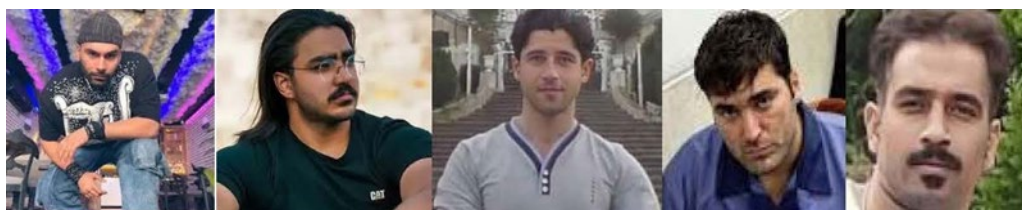
شیرین علم هولی در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ به دار آویخته شد و پیکر او هرگز به خانواده اش تحویل داده نشد.

۴. امید رستمی (۱۳۷۵-۱۳۹۷)

امید رستمی هم کودک کار بود و هم کودک مجرم. او در پایه ی سوم دوره ی راهنمایی ترک تحصیل کرد و مشغول کار در تولید درب و پنجره های آلومینیومی شد. در سن ۱۶ سالگی به اتهام قتل بازداشت شد. در طول بازجویی ها و تحقیقات مقدماتی، امید از دسترسی به وکیل محروم بود. با وجود آنکه در زمان ارتکاب جرم ادعایی، زیر سن قانونی بود، به اعدام محکوم شد و در تاریخ ۲۳ آبان ۹۷ به دار آویخته شد.



۵. خیزش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" و اعدام کارگران در سال ۱۴۰۲



تصویر از چپ به راست: محسن شکاری، مجیدرضا رفنورد، سید محمد حسینی، مجید کاظمی و سعید یعقوبی

در جریان جنبش "زن، زندگی، آزادی"، دستکم هشت نفر توسط مقامات جمهوری اسلامی اعدام شدند.

از میان آنها، پنج نفر از کارگران مشاغل عادی بودند که این امر هدفگیری سیستماتیک طبقه‌ی کارگر توسط حکومت را برجسته می‌کند.

-محسن شکاری (۲۳ ساله) – باریستا (کارگر کافه)

او به اتهام بستن خیابان و وارد آوردن جراحاتی سطحی به یک مأمور امنیتی اعدام شد. این در حالی بود که روند محاکمه ی او کاملاً ناعادلانه بود و به وکیل مناسب دسترسی نداشت.

- مجیدرضا رهنورد (۲۳ ساله) – کارگر میوه‌فروشی

فقط ۲۳ روز پس از بازداشت، در ملا عام و پس از اعترافات تحت شکنجه، اعدام شد.

- سید محمد حسینی (۴۰ ساله) – کارگر کارخانه جوجه‌کشی

به دلیل شرکت در اعتراضات بازداشت و بدون ارائه مدارک معتبر متهم به کشتن یک بسیجی شد محاکمه او شتابزده بود و وی از شکنجه‌های شدید در طی بازجویی خبر داد.

- مجید کاظمی (۳۰ ساله) – کارگر صنایع دستی

در اعتراضات مسالمت‌آمیز شرکت کرده بود؛ اما براساس اعترافات اخذشده تحت شکنجه، به اعدام محکوم شد پرونده‌ی او واکنش‌های بین‌المللی گسترده‌ای را برانگیخت.

-سعید یعقوبی (۳۷ ساله) – کارگر مشاور املاک

در کنار مجید کاظمی در پرونده موسوم به "خانه اصفهان" محاکمه شد. وی از حق دادرسی عادلانه محروم بود و پس از طرح اتهاماتی درباره مشارکت در اعتراضات، اعدام شد.

این موارد نشان می‌دهد که کارگران ایرانی — از باریستاها تا صنعتگران — نه تنها از حقوق کارگری خود محروم هستند، بلکه برای اعمال ابتدایی‌ترین آزادی‌های خود همچون اعتراض و بیان آزادانه، با مجازات مرگ روبرو می‌شوند.

کارگران در صف اعدام

علاوه بر افرادی که تاکنون اعدام شده‌اند، شمار قابل توجهی از کسانی که هم‌اکنون در ایران با خطر اعدام روبرو هستند، از طبقه‌ی کارگر هستند. بسیاری از آنها کارگران یدی، خرده‌فروشان یا جوانان بیکار از جوامع حاشیه‌نشین هستند. این افراد به شدت در معرض خطر قرار دارند؛ چرا که قوه قضاییه ایران به صدور احکام اعدام پس از محاکمات ناعادلانه — اغلب بر پایه‌ی اعترافات گرفته‌شده تحت شکنجه — ادامه می‌دهد.

مجازات اعدام همچنان به عنوان ابزاری خشن برای سرکوب آسیب‌پذیرترین بخش‌های جامعه‌ی ایران، به ویژه طبقه‌ی کارگر، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ادامه به دو نمونه‌ی کنونی اشاره می‌کنیم:

عباس دریس



عباس دریس، کارگر اهل خوزستان، در پی اعتراضات آبان ۱۳۹۸ بازداشت شد. او به اتهام "محاربه" به دلیل ارتباط با کشته شدن یک فرمانده نیروی انتظامی به نام رضا صیادی متهم و به اعدام محکوم شد. با این حال، شواهد پرونده و شهادت مأموران نشان می‌دهد که هیچ مدرک معتبری مبنی بر شلیک عباس وجود ندارد و اعترافات او تحت فشار و شکنجه گرفته شده است. خانواده مقتول نیز در پرونده شکایتی نداشته‌اند.

شریفه محمدی



فعال کارگری، هم‌اکنون به دلیل فعالیت‌هایش در سازماندهی حقوق کارگران با اتهامات منجر به اعدام روبرو است. پیگرد قضایی او نشان‌دهنده‌ی تداوم جرم‌انگاری فعالیت‌های مسالمت‌آمیز کارگری در ایران است.

این موارد نشان می‌دهد که کارگران ایرانی همچنان نه تنها با بهرمکشی اقتصادی، بلکه با تهدید نهایی اعدام به دلیل مطالبه‌ی حقوق ابتدایی خود روبرو هستند.

رشد جنبش مدنی علیه اعدام‌ها

با وجود خطرات عظیم، جنبشی مدنی و قدرتمند در داخل و خارج ایران در حال شکل‌گیری است. کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" که توسط زندانیان سیاسی راه‌اندازی شده، اکنون وارد شصت و ششمین هفته‌ی خود شده است و زندانیان در بیش از ۴۰ زندان با اعتصاب غذا و اعتراض علیه مجازات اعدام مشارکت می‌کنند.

این کارزار که با حمایت برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، نرگس محمدی، و سایر فعالان برجسته همراه است، خواست مردم ایران برای عدالت، آزادی و پایان دادن به خشونت دولتی را به نمایش می‌گذارد.

درخواست‌های ما

ما از جامعه‌ی بین‌المللی، سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار و تمامی سازمان‌های حقوق بشری درخواست می‌کنیم که:

- افزایش شدید اعدام‌ها در ایران را محکوم کرده و مجازات اعدام را به عنوان نقض ذاتی حقوق بشر قلمداد کنند.
- مطابق با قطعنامه‌ی اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد که بیش از دوسوم اعضا از آن حمایت کرده‌اند؛ خواستار توقف فوری تمام اعدام‌ها در ایران شوند.
- از جنبش‌های مدنی ایرانی، از جمله کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"، "کارزار جهانی نه به اعدام" و تمامی مدافعان حقوق بشر که برای آزادی و دموکراسی تلاش می‌کنند، حمایت کنند.
- بر لزوم تضمین دادرسی عادلانه، رعایت اصول دادرسی، و منع شکنجه و اعترافات اجباری طبق قوانین بین‌المللی تأکید ورزند.
- حکومت ایران را تحت فشار قرار دهند تا اجساد زندانیان اعدام شده را به خانواده‌هایشان تحویل دهد و به رویه‌ی اعدام‌های مخفیانه و ناپدیدسازی‌های قهری پایان دهد.

نتیجه‌گیری

استفاده از مجازات اعدام در ایران نه تنها یک مسئله‌ی حقوقی، بلکه بحرانی عمیق در زمینه‌ی حقوق بشر است که آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه را هدف قرار می‌دهد. ما از شما می‌خواهیم در کنار مردم ایران در مبارزه‌شان برای کرامت، عدالت و زندگی بایستید. جهان نباید در برابر چنین بی‌رحمی‌هایی سکوت کند.

از توجه و همبستگی شما سپاسگزاریم.

کارگران سزاوار کرامت انسانی‌اند، نه اعدام

با امید به آینده‌ای عاری از اعدام

انجمن ایرانیان علیه اعدام

برای دریافت اطلاعات بیشتر و پیوستن به ما، لطفاً مستقیماً با ما تماس بگیرید یا فعالیت‌های ما را در همبستگی با جنبش جهانی علیه مجازات اعدام دنبال کنید.

Phone: +46760305767

Email: info@ifmavoice.com

Website: <http://ifmavoice.com>